

## حقوق انسانی زنان در منشور حقوق شهروندی

سخنران: دکتر شهیندخت مولوردی

### محورهای بحث:

\*ظرفیت منشور حقوق شهروندی برای تحقق حقوق شهروندی زنان

\*ظرفیت و نقش زنان برای تحقق برای تحقق حقوق شهروندی زنان و مفاد منشور و نهایتاً توسعه پایدار (محور اصلی صحبت‌ها)

\*گزارش یکساله از ابلاغ و رونمایی حقوق شهروندی به ویژه پس از مرداد ۱۳۹۵

### تعریف شهروندی و حقوق شهروند:

شهروندی رویکردی است که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره دارد. شهروند از حیث عضویت در اجتماع، برخوردار از انواع حقوقی خواهد بود که به مجموعه حقوق شهروندی گویند.

بعضاً بین حقوق بشر و حقوق شهروندی تفاوتی قائل نیستند و این دو را با هم مترادف می‌گیرند در حالی که این دو یکی نیستند و اگر نگوییم که تفاوت اساسی دارند باید مرزبندی و خط‌کشی را بین این دو مفهوم قائل باشیم.

در حقوق بشر که حقوق یا حقوقی است که به انسان بما هو انسان تعلق می‌گیرد. حقوق طبیعی و ذاتی بشر که نسل‌هایی از حقوق بشر سپری شده‌است و اکنون در نسل سوم حقوق بشر قرار داریم که از حقوق مدنی و سیاسی شروع شد بعد از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید. بعدها با وقوع جنگ سرد، بلوک شرق و غرب، تقابلهایی را شکل دادند، کشورهایی که در بلوک غرب بودند بیشتر طرفدار حقوق مدنی سیاسی بودند ولی این نظر و اهداف بلوک شرق را تامین نمی‌کرد لذا میثاق فرهنگی اقتصادی اجتماعی نیز به تصویب رسید که در واقع نسل دوم حقوق بشر است. الان رسیده‌ایم به زمانه‌ای که تحت عنوان حقوق جمعی و حقوق همبستگی از آن یاد می‌شود و شامل حقوق حفظ محیط زیست،

صلح و توسعه است. اینها مواردی در مقوله حقوق جمعی یا حقوق همبستگی است و صاحب نظران، عنوان‌هایی را برای این سه نسل قائل شده‌اند.

نسل اول حقوق بشر را حقوق مدنی سیاسی و آزادی‌ها گویند.

نسل دوم حقوق بشر را برابری گویند.

نسل سوم را برادری، همبستگی و حقوق جمعی گویند.

بنابراین منظور از حقوق بشر، حقوق ذاتی بشری است که به انسان بما هو انسان تعلق می‌گیرد و فارغ از تمامی تفاوت‌های جنسیتی، طبقاتی، قومی و نژادی. نمی‌توانیم تفکیک، اولویت بندی و سلسله مراتب قائل شویم که ابتدا بشر به حقوق مدنی سیاسی دسترسی پیدا کند و از این حقوق برخوردار شود سپس به دنبال حقوق فرهنگی اقتصادی اجتماعی خود برود. در واقع این حقوق در عرض هم قرار دارند و هر انسانی باید این شرایط را داشته باشد تا به اندازه نیازی که دارد از این ۵ حق که ذیل هر کدام از این حق‌ها موارد متعددی را داریم باید برخوردار شود و غیرقابل سلب از انسان است حتی خود انسان نمی‌تواند این حقوق را از خودش سلب کند و تحقق آن مسئولیت اصلی دولت‌ها است و منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست و منظور حاکمیت است که شامل انواع قوا است و ممکن است در کشورهای مختلف، چارچوب و قالب‌های آن متفاوت باشد.

نکته اصلی این است که این حقوق به این شکل نیست که هدیه دولت‌ها و دل‌بخواهی باشد تا آن را به ملت‌هایشان اعطا کنند و اگر نخواستند نه. این یک مسئولیت اصلی است و باید تمام شرایط را برای تمام زمینه‌های انواع حقوق بشری را فراهم کنند.

**حقوق شهروندی:** وقتی انواع حقوق انسانی را در جامعه از حیث عضویت انسان در اجتماع به عنوان شهروند پیاده، پیگیری و محقق کنیم. اینجاست که رابطه انسان با دولت با جامعه و رابطه انسان (شهروند) با سایر شهروندان مطرح می‌شود به دلیل حضور در جامعه، فعالیت‌های اجتماعی و کنش‌گری‌هایی که خواهد داشت.

نقش و تاثیر زنان به عنوان شهروندان جامعه در تحقق حقوق که برآیند آن توسعه پایدار خواهد بود چیست؟

در دهه‌های اخیر شاهد تحول محدوده شهروندی و حقوق شهروندی بوده‌ایم. در ابتدا رابطه بین دولت، ملت و حاکمیت، بیشتر رابطه رعیتی بوده‌است. شهروند را به عنوان رعیت و فرمانبردار یاد می‌کردند که به مرور با رشد و توسعه جوامع بشری و از طرف دیگر، رشد و توسعه فردی، این رابطه کم‌کم به رابطه تبعه با حاکمیت تغییر

پیدا می‌کند و الان به بلوغ خود رسیده‌است و به رابطه شهروند با حاکمیت و دولت تغییر یافته‌است و این به دلیل تحولی که انسان‌ها در شهرنشینی داشته‌اند البته حقوق شهروندی شامل روستاها و عشایر هم می‌شود.

در دهه‌های اخیر رشد کلان شهرها و مسائل شهرنشینی و دامنه مسائل شهری، موضوع شهروندی و توسعه حقوق ناظر بر آن را به یک موضوع مهم در برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری تبدیل کرده‌است و به عنوان مفهوم جدید در ادبیات جهانی و شهروندی مطرح شده و شاهد رویکرد جدیدی هستیم. تا مدت‌ها رویکردی که داشتیم بیشتر متوجه شهرسازی کالبدی و فضایی بود و مسائلی از نظر توزیع و تخصیص ناعادلانه زمین شهری، تحلیل تنش‌ها و تعارضات در شهر، مهاجرت روستائیان، جرم و جنایت در شهر متمرکز می‌شد و یا بحث زیباسازی و مرمت و بیشتر توسعه فیزیکی و کالبدی شهر مطرح بوده‌است. اما به مرور که مفهوم شهروندی جای خود را در مدیریت شهری باز می‌کند، شاهد شهرسازی اجتماعی و رویکرد اجتماعی هستیم به مدیریت شهری که لوازم و مصالح کافی را از نظر حقوقی و فرهنگی برای شهروندان فراهم می‌آورد تا زیست شهری عادلانه و انسانی را بتوانند تجربه کنند. در این منظر شهر توسعه یافته شهری است که نهادهای مختلف شهری بتوانند پاسخ‌گوی نیازها و مطالبات شهروندان باشند. این رویکرد جدید تحت عنوان شهرسازی اجتماعی در مقابل یا در کنار شهرسازی کالبدی و فضایی و فیزیکی مطرح می‌شود. لذا اساس مدیریت شهری در این رویکرد بر مبنای سیاست‌های متخذه از حقوق شهروندی خواهد بود که روش‌های نوینی را برای حل مشکلات شهروندان، افزایش مشارکت شهروندی، رشد فرهنگ شهروندی، ایجاد زمینه‌های شهروندگرایی در مردم و در مجموع کاهش بار بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای دیگر را میسر می‌کند و در عین حال زمینه‌ساز اعتلای روابط اجتماعی و حقوقی شهروندان چه در سطح مردم و دولت و چه در سطح مردم با مردم خواهد بود.

**شهروند:** شهروند مشتق از دو واژه است: «شهر» و «وند». **شهر** به معنی شهرنشینی و توسعه شهرنشینی و در واقع جای‌گزینی آن با روستانشینی و در تمام جوامع این پدیده خود را نشان می‌دهد و کم‌کم به درست یا غلط، روستاها خالی از سکنه و متروکه می‌شوند هرچند که ممکن است سیاست‌هایی در خصوص مهاجرت معکوس در دست دولت‌ها باشد ولی این واقعیتی است که در حال انجام است. **وند**، بحث عضویت انسان در اجتماع و زندگی در شهر، این رابطه مطرح می‌شود که یک رابطه دوسویه و دوجانبه‌ای بین شهروند با دولت و جامعه خودش شکل می‌گیرد و قبلاً کمتر معنا و مفهوم پیدا می‌کرد این رابطه به دلیل ویژگی‌های خاصی که در جوامع حاکم بود، زندگی گسترده که جای خود را به خانواده هسته‌ای داده مباحث ریش سفیدی و حل اختلافات که کمتر انسان‌ها به این مباحث برای حل و فصل اختلافات و مسائل خود متوسل به دولت‌ها و دستگاه قضایی و سایر موارد. اکنون شاهد رابطه جدید و متضمن وفاداری شهروند و فرد به دولت است و از طرف دیگر این تکلیف را

برای دولت ایجاد می‌کند که از این فرد به عنوان شهروند خود حمایت کند. لذا بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که شهرنشین‌ها زمانی که به این مرحله از رشد می‌رسد که به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و تکالیف خود را در قبال اجتماع انجام دهند به شهروند ارتقاء می‌یابند.

### فرق حقوق شهروند و حقوق بشر

در حقوق بشر، صرفاً و تماماً بحث از حقوق می‌شود و بحثی از تکالیف و مسئولیت یا وظیفه مطرح نیست. زیرا که به دلیل ذات انسان‌ها باید از این حقوق بهره‌مند شوند و تکالیف دولت‌ها مطرح است. اما در شهروندی با حقوق شهروندی و تکالیف تک تک شهروندان، اولاً به منظور حفاظت، حراست و تحقق حقوق مربوط به خود و ثانیاً تکالیفی که در رابطه با دولت و سایر شهروندان دارند که تفاوت اساسی با مقوله حقوق بشر است.

اینجا با دو واژه شهروند فعال (Active) و شهروند منفعل (passive) مواجه هستیم. آنچه که مد نظر است که بر فعل و انفعالات و مناسبات جامعه خود تاثیرگذار باشد و از عنصر کلیدی است که در مباحث حقوق شهروندی بهره‌بردار و نقش‌آفرینی کند، شهروند فعال است. شهروند منفعل، از حیث عضویت در اجتماع شهروند هست اما برای رفع نیازها و پاسخ‌گویی به مطالبات خود، صرفاً منتظر کمک و یاری و قهرمانانی است که به او کمک کرده و نیازها و حوائجش را تامین و برآورده نمایند و هیچ حرکت و کنشی از خودش نشان نمی‌دهد و انتظار دارد که اوضاع بر وفق مراد شده و وضعیت بهبود یابد. البته روی سخن با شهروندان منفعل نیست و کمتر در حقوق شهروندی نگاه‌ها به چنین شهروندانی معطوف می‌شود. چون در رابطه با حقوق خود، دولت و جامعه نمی‌توانند تاثیرگذاری و نقش‌آفرینی لازم را داشته‌باشند و در بهبود اوضاع و حرکت به سمت وضعیت مطلوب تاثیر لازم را داشته‌باشند. بنابراین با یک تعهد دوجانبه و دوسویه مواجه هستیم که مشارکت آگاهانه فرد در فعل و انفعالات جامعه و احقاق و احترام به حقوق فردی و دولت را به دنبال دارد. لذا اینجاست که شهروندان فعال با توجه به کنشگری که انجام می‌دهند انتظار دارند و تمام تلاششان این است که به بسیاری از حقوقی که تا کنون از آنها سلب یا بی‌توجهی یا نادیده گرفته شده، دسترسی پیدا کرده و به این وضعیت برسند.

زنان نیز زمانی می‌توانند کارایی و تاثیرگذاری داشته‌باشند که الزاماتی را داشته‌باشند از قبیل برخورداری از حقوق و توانایی لازم برای احقاق حقوق خودشان با توجه به وضعیتی که بر زنان حاکم است از نظر نابرابری‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی که قرن‌هاست زندگی آنها را در سراسر جهان متاثر کرده و انواع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را در سطح ملی و کشورها حاکم کرده است.

زنان به عنوان شهروندان جامعه چه نقشی در توسعه پایدار دارند؟ چون رابطه مستقیم و پیوند ناگسستنی بین تحقق حقوق شهروندی و تحقق توسعه پایدار قائل هستیم. شهروندان امیدوار چه نقشی در توسعه جامعه در و تحقق حقوق شهروندی می‌توانند داشته باشند؟

## سازوکارهای لازم برای تحقق حقوق شهروندی زنان و سازوکارهای لازم برای نقش آفرینی زنان در تحقق حقوق شهروندی:

تحقق حقوق شهروندی و نقش آفرینی زنان را نباید جدا از هم دید و صرفاً نگاه را به یکی از این دو مقوله معطوف کرده و از محور دیگر غفلت کنیم زیرا که این دو تاثیر و تاثر متقابل بر همدیگر دارند.

در بحث توسعه پایدار و بهبود کیفیت و وضعیت زندگی انسان‌ها و تحقق عدالت اجتماعی که هم وسیله و هم هدف است و برای رسیدن به این وضعیت جامعه و کشور در حال توسعه باید از تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود بهره ببرد در غیر این صورت در مقایسه با جامعه و کشوری که چنین روشی را در پیش گرفته و از تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود بهره لازم را می‌برد، قطعاً عقب خواهد افتاد و مثل پرنده‌ای خواهد بود که می‌خواهد با یک بال پرواز کند که قطعاً در مسابقه با پرنده‌ای که با دو بال پرواز می‌کند عقب خواهد افتاد و نمی‌تواند بازی برد - برد داشته باشد.

**توسعه پایدار:** به نوعی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسانی که در زمان حال زندگی می‌کند بدون آسیب رساندن به توانایی‌های نسل بعد در برآورده کردن نیازهای آن نسل را توسعه پایدار گویند. توسعه پایدار هماهنگی و تلفیق این اهداف را در دستور کار خود قرار می‌دهد. به همین دلیل است که صفت پایدار را به کار می‌برند بعد از تجربه‌های مثبت و منفی، موفق و غیرموفق کشورهای مختلف، خرد جمعی بشری به این رسید که توسعه باید پایدار باشد و به نیازهای نسل آتی توجه کند و نسل فعلی و حاضر در قبال این نیازها مسئولیت دارند که عامل و فاکتور اصلی توسعه پایدار توجه به نیازهای نسل آتی است که در واقع هم توسعه، سیاست، فرهنگ، اقتصاد، تجارت و مجموعه آنچه در اجتماع بشری می‌تواند تاثیر بگذارد در فرآیند توسعه را مد نظر قرار می‌دهد و راه حلی است برای معمای توسعه در سال‌های پایانی قرن بیستم که بررسی‌ها، بشریت، برنامه‌ریزان جهانی را بعد از این که به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های متعدد مالی، استفاده از منابع زیرزمینی و مصرف این منابع خیلی از کشورها هنوز در رده

کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه محسوب می‌شوند. بررسی‌ها نشان داد که نیاز است که تعریف مجددی از توسعه داشته‌باشیم که البته هنوز در سطح تعریف باقی مانده اینکه انسان در محور توسعه است و باید انسان و رفع نیازهای او در کانون توجهات باشد. در اعلامیه ریو نیز که اعلامیه مهمی در حوزه محیط‌زیست است، تعریف شده که انسان‌ها مستحق یک زندگی سالم و مولد در هم‌سازی با طبیعت هستند. حال باید دید تا چه اندازه به این تعریف توجه شده و توانسته جای خود را در مباحث توسعه کشورها باز کند.

برای تحقق این وضعیت و اینکه محیطی شایسته را برای زندگی همراه با آزادی، صلح، آرامش و برابری انسان‌ها فراهم کنیم، باید محرومیت و تبعیض را از چهره جهان بزدااییم که مهم‌ترین شرط آن در این وضعیت این است که فرصت‌ها و دسترسی برابر به امکانات پیش روی جامعه بین زن و مرد، طبقات و نژادهای مختلف، اقلیت‌های قومی و مذهبی که جزء محدوده‌های مهم حقوق شهروندی هستند، وجود داشته باشد. همانطور که این گروه‌ها به عنوان عاملان و حاملان توسعه محسوب می‌شوند در برخورداری از منافع و مواهب توسعه نیز حضور داشته‌باشند و کنار گذاشته نشده و به حاشیه رانده نشوند و ذی‌نفع در مواهب و آثار توسعه و بهره‌مند از این مواهب باشند. گروه‌های نابرخوردار از قدرت مثل: زنان، جوانان، اقوام، اقلیت‌ها و به حاشیه رانده شده به عنوان عاملان و ذی‌نفعان توسعه محسوب شده و بتوانند ذی‌نفع باشند. بیشتر بحث روی زنان است و آنچه که تحت عنوان تبعیض‌های مرئی و پنهان و نوشته شده علیه زنان، آنچه به عنوان تبعیض‌های نوشته شده اعمال شده و خود را در قانون و مقررات خود را نشان می‌دهد و آنچه که نانوشته است و به عنوان عرف جامعه، نگرش‌ها، دیدگاه‌ها، گرایش‌ها، تفکراتی که ممکن است وجود داشته‌باشد و نابرابری‌های جنسیتی را شامل می‌شود. بعضاً نابرابری‌های جنسیتی یا برابری جنسیتی را با برابری جنسی اشتباه می‌گیرند و متاسفانه سوء تفاهمی که در جامعه ما وجود دارد این است که این دو را یکی می‌انگارند. بحث ما برابری جنسی نیست. همانطور که دو مرد به خاطر تفاوت‌هایی که دارند نمی‌توانند از برابری کامل برخوردار باشند بین زن و مرد نیز این تفاوت‌ها را قائل هستیم. اما این تفاوت‌ها نباید منشا تبعیض و نابرابری باشد. به این برابری جنسیتی می‌گویند که ناشی از فرهنگ‌ها، نگاه‌ها، تفکرات، گرایش‌ها و به نوعی اعتقادات و باورهایی است که تغییرپذیر هستند، برخلاف تفاوت‌های جنسی که تغییر ناپذیرند. لذا این بحث مبسوطی است که وقت بیشتری را می‌طلبد تا ابعاد مختلف آن را بررسی کرد.

در بحث حقوق شهروندی زنان و یا نقش زنان در تحقق حقوق شهروندی، این تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش بسزایی دارند و مانند سدی عمل می‌کنند که اجازه نمی‌دهند قابلیت‌ها و استعداد‌های زنان زمینه بروز و ظهور پیدا کنند و در خدمت توسعه کشور و پیشرفت کشور به کار گرفته شود. اینجا بحث

مشارکت مطرح می‌شود و کمتر می‌بینیم که اراده جدی برای مشارکت زنان در حوزه‌های مختلف به چشم می‌خورد. لذا این نکته حائز اهمیت فراوان است که بدانیم برای ایفای آن نقشی که در مورد آن صحبت می‌کنیم چه لوازم و زمینه‌هایی باید فراهم شود که زنان بتوانند در هر دو بعد نقش‌آفرین باشند.

کیفیت و کمیت مشارکت فرد در جامعه که تکلیف فرد است که در قبال حقوق خود، حقوق جامعه و حقوق دیگر شهروندان به میزان بالایی تحت تاثیر کیفیت و کمیت میزان برخورداری او از این حقوق است؛ یعنی رابطه متقابلی که بین حق‌التکلیف قائل هستیم که در مقابل هر حقی تکلیفی تعریف می‌شود و بالعکس چنین تعریفی در قبال تکلیف وجود دارد که برای آن حق مطرح می‌شود که در مجموع این دو با هم، شهروندی را می‌سازند و نبود هر یک از این دو عنصر مانع تحقق کامل حقوق شهروندی می‌شود و به زنان در کنار سایر گروه‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی مذهبی تا سالیان سال به عنوان شهروندان درجه دوم و وابسته به سایر شهروندان از جمله مردان محسوب می‌شدند و از حقوق کامل شهروندی برخوردار نبودند و سمت و سوی حرکت‌ها و فعالیت‌ها برای اصلاح و تکمیل این روند و فرآیند است که اینجا شاهد شکل‌گیری و راه‌اندازی جنبش‌ها و پویش‌هایی هستیم که با هدف عدالت از جمله عدالت جنسیتی در جهان و در کشور خودمان در برنامه ششم توسعه به تصویب رسید و امیدواریم در اجرا هم بتواند خود را نشان داده و بر زندگی زنان و در مجموع بر جامعه تاثیر بگذارد و مطمئن هستیم که تاثیرات آن اگر بر جامعه بیشتر از تاثیر بر زندگی فرد فرد زنان نیست کمتر هم نخواهد بود و در بحث عدالت جنسیتی که در کنار سایر شعبه‌های عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت آموزشی، عدالت شغلی، عدالت قضایی مطرح می‌شود و جا می‌گیرد به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در توسعه پایدار می‌رسیم که اشاره شد که زنان به عنوان عاملان توسعه و ذی‌نفعان توسعه مطرح می‌شوند به ویژه در بحث توسعه یا مدیریت شهری که با بحث شهروندی و حقوق شهروندی ارتباط پیدا می‌کند که متأسفانه در کشورمان به دلیل فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی هنوز به وضعیت مطلوب نزدیک نشده‌ایم و از طرفی عدم توانمندی مطلوب زنان برای احقاق این حقوق و پاسخ‌گویی به خواست‌ها و نیازهای زنان است که به آگاهی، شناخت، مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب برای زنان، مشارکت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه و ارزش‌ها و نگرش‌هایی که بتواند این زمینه را برای این نقش‌آفرینی فراهم کند نیاز داریم. زمانی به این وضعیت می‌رسیم که از لحاظ ساختارهای عینی و ذهنی جامعه، شاهد تحولی جدی باشیم یعنی شاهد شکل‌گیری اقدامات ساختاری و هنجاری باشیم و زمینه‌های عینی و ذهنی این وضعیت فراهم شود که اینجا نقش همه قوا مطرح می‌شود نه فقط دولت و قوه مجریه و یا داخل قوه مجریه همه این مسئولیت‌ها را بر عهده یک معاونت یا یک دفتر بگذاریم و انتظار داشته‌باشیم که یک تحول اساسی در این وضعیت صورت بگیرد.

در منشور حقوق شهروندی حدود ۱۲۰ ماده و ۲۲ طرح داریم که ذیل هریک از این حقوق که همان حقوق انسانی هستند، حقوق بشر وقتی که در برای اجرای ملی در دستور کار قرار می‌گیرد عنوان حقوق شهروندی بر آن می‌گذارند و بعضاً مترادف می‌گیرند. رویکرد منشور نیز همین است. با مطالعه منشور یک ماده پیدا نمی‌کنید که به مسئولیت شهروندان پرداخته باشد. زمانی که تدوین می‌شده و در ۱۰۰ روز اول دولت یازدهم پیش‌نویس آن منتشر شد و فراخوانی برای نظرسنجی داده شد. نظرات بسیار زیادی دریافت شد که شامل انتقاد، پیشنهاد و ارائه راه‌کار تا اینکه بیش از ۳ سال طول کشید تا به شکل کنونی درآمد ضمن اینکه ظاهراً قرار بوده که شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی این منشور ضمیمه باشد که حدود ۳۰۰ صفحه بودند که منک می‌شوند و طبق نظر رئیس‌جمهور به این شکل فعلی ابلاغ و رونمایی می‌شود؛ بخش‌های مختلفی دارد که شامل مقدمه و ۲۲ حق که ذیل آنها، ۱۲۰ ماده تنظیم شده است. بخش آخر آن برای ما خیلی اهمیت دارد که شامل ساز و کارهای اجرا و نظارت بر حسن اجرای منشور است که در دستورکار خود داریم و سال ۹۷ را هم **عملیاتی کردن ساز و کارهای اجرا اعلام کردیم**. همه سوال می‌کنند این منشور ضمانت اجرا ندارد و باید تبدیل به قانون شود و جوابی که به آنها داده می‌شود این است که قرار نیست که مجموعه منشور، تحت عنوان لایحه بعداً تبدیل به قانون شهروندی شود. این در دستور کار ما نیست اما اینکه در بررسی و پیگیری که برای تک تک مواد انجام می‌دهیم اگر به این نتیجه برسیم که نیاز به ارائه لایحه برای موادی که در منشور داریم، حتماً این کار را انجام خواهیم داد و در حال حاضر حداقل ۱۴ عنوان لایحه را معاونت امور رئیس‌جمهور در چارچوب حقوق شهروندی آماده کرده‌است و بعضاً در دستور کار کمیسیون لوایح دولت و بعضاً در فرآیند نهایی‌شدن است از جمله: **لایحه تاسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی** که یک اتفاق بسیار مهم است. اگر برای تشکیل این نهاد ملی، تفاهم همه قوا را داشته باشیم، ساز و کاری برای پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی و جبران خسارت خواهد بود و از طرف دیگر از نقض به ویژه نقض سیستماتیک و نظام‌مندی که ممکن است در جامعه رخ بدهد پیش‌گیری خواهد کرد. **لایحه شفافیت اقتصادی و لایحه مسئولیت مدنی موسسات عمومی** و چندین لایحه دیگر که مراحل نهایی را پشت‌سر گذاشته‌اند و بقیه نیز در دستورکار هستند که در این چارچوب در حال پیگیری است.

بنابراین به این شکل و طبق ابلاغیه‌ای که رئیس‌جمهور در ابتدای رونمایی منشور به تمام دستگاه‌ها با امضای خودشان داشته‌اند از آنها خواسته‌اند که اگر تشخیص می‌دهند که موادی که در ماموریت آنها تعریف شده و باید به عنوان وظیفه به آنها نگاه کنند نیاز به ارائه لایحه دارند، حتماً این کار را انجام دهند که مواردی را ما دریافت کردیم و در حال بررسی هستیم که به نهایی شدن آنها کمک کنیم.



**ساز و کارهای اجرا** در واقع ضمانت اجراهای منشور هستند که از پیشنهاد برنامه و خط مشی اجرای کامل منشور حقوق شهروندی گرفته که وظیفه دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حقوق شهروندی است که همان برنامه ملی اقدام یا Action Plan است که ما الان در حال نهایی کردن آن هستیم و تقسیم کار ملی که باید صورت بگیرد متأسفانه در این حوزه ما شاهد انواع موازی کاری و پراکنده کاری‌هایی هستیم که به یک برنامه واحد، وحدت رویه و انسجام نیاز دارد که در حال انجام برنامه ملی اقدام با این هدف هستیم.

دستگاه‌های اجرایی باید **برنامه توسعه و اصلاح نظام حقوقی** را ارائه بدهند که در حال پیگیری است. از طرف دیگر وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، علوم و وزارت بهداشت باید برای انتقال آموزه‌های حقوق شهروندی ترتیبات لازم را اتخاذ کنند که به این **ماموریت نهادینه‌سازی در کنار نهادسازی** گویند. منظور از نهادسازی، تشکیلات، ساز و کار و اقدامات ساختاری است و مهم‌تر از آن نهادینه‌سازی است که به معنی درونی‌کردن، آموزش، جریان‌سازی و ترویج که این وزارت‌خانه‌ها در کنار صدا و سیما نقش مهمی دارند که به ضمانت اجرایی، فرهنگ‌سازی و ایجاد گفت‌وگو و تبدیل حقوق شهروندی به مطالبه عمومی جامعه کمک می‌کند و آئین‌ها و روش‌های غیرقضایی که باید تدوین شود به مردم و شهروندان کمک کند که برای احقاق سریع، آسان و در نزدیک‌ترین زمان ممکن به حقوق خود به این آئین‌ها و روش‌ها دسترسی داشته‌باشند و تنها گزینه پیش روی آنها توسل به سیستم قضایی نباشد با این شرایطی که سیستم قضایی ۱۵ میلیون پرونده و روند طولانی دادرسی که دارد.

پیش‌نویس شاخص‌های کمی و کیفی ابتدای دولت یازدهم آماده شده بود و در حال نهایی شدن است. با ابلاغ این شاخص‌ها، ارزیابی جدی و دقیقی را از عملکردها خواهیم داشت و انشاءالله امسال که دومین سالگرد رونمایی منشور است در انتخاب دستگاه برتر و دستگاه‌هایی که ترک فعل داشتند، اهمال و مسامحه کردند به هر شکل اینها را ارزیابی، رصد و پایش خواهیم کرد و سایر ساز و کارهایی که تعریف شده و اینکه رئیس‌جمهور هر سال باید به ملت، گزارش بدهد. از طرف دیگر ابتکاری را در دولت دوازدهم داشتیم که احکام وزرا، حاوی یک پیوست بود. در پیوست احکام وزرا، اولویت‌های عمومی و اختصاصی تعیین شده است. در اولویت‌های عمومی که بین همه دستگاه‌ها مشترک است، بند سوم اشاره دارد به پیگیری اجرای منشور حقوق شهروندی یعنی همه وزرا این مسئولیت را دارند و در برش استانی باید پیگیری شود که در کل کشور این مسئولیت به اجرا در بیاید. بند هفتم اولویت‌های عمومی نیز به «به‌کارگیری زنان، جوانان و اقوام در مدیریت‌ها» اشاره دارد که هر چند در حیطه حقوق شهروندی نیز طبقه‌بندی می‌شود ولی جدا کردن و توجه به آن نشان از این دارد که اهتمام جدی برای

تحقق این است که شاهد بخشنامه ۳۰ درصدی سهمیه زنان بودیم که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی پیگیری می‌شود.

از طرفی **تصویب نامه حقوق شهروندی در نظام اداری** را داریم که شوای عالی اداری تصویب کرده‌است و ۱۹ ماده دارد و برای تامین حقوق شهروندی در نظام اداری بسیار اساسی است چون اکثر ناراضیان در جامعه این طیف را تشکیل می‌دهند به دلیل ساز و کارهای ناکارآمدی که در پاسخ‌گویی به مطالبات و مراجعات وجود دارد که در این چارچوب میز خدمت داریم و تعریف شده و در حال شکل‌گیری در دستگاه‌ها است. توافقنامه‌ای را بین وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور داریم تحت عنوان **توسعه مشارکت سازمان‌های غیردولتی یا مردم نهاد** در تامین حقوق شهروندان که مطابق آن حداقل باید ۲ سمن در هر استان با این هدف تشکیل شود نه اینکه دولت تشکیل دهد، تسهیلات لازم، فراهم شود، فعالیت سمن‌ها به صورت کیفی و کمی، توسعه پیدا کند که این نیز قدم بزرگی است که ما برای نقش سمن‌ها، نهادهای مدنی به ویژه در ترویج، جریان‌سازی و ظرفیت‌سازی حقوق شهروندی خیلی اهمیت قائل هستیم.

بنابراین ساز و کارهای اجرا که در منشور پیش‌بینی شده به ما کمک می‌کند که بتوانیم در اجرایی‌سازی مفاد منشور قدم‌های جدی را برداریم که حرکت شروع شده و امیدوار هستیم تا پایان سال ۹۷ اکثر این ساز و کارها را عملیاتی کرده‌باشیم و زمینه را برای تحقق مفاد منشور فراهم کنیم هرچند که بعضی از مفاد آن نیاز به تعامل جدی با سایر قوا دارد. **حق مردم به دادخواهی عادلانه** را داریم که تماماً در اختیار قوه قضائیه است و بیشترین مراجعین ما در حوزه دستیاری ویژه مربوط به این حق می‌شود و در حال بررسی هستیم که برای تعامل با قوه قضائیه و تحقق این حق به یک ساز و کار مشخصی برسیم و مطلع هستید که رئیس‌جمهور، طبق اصل ۱۲۱ و ۱۱۳ قانون اساسی، پاسدار حقوق مندرج در قانون اساسی است. فصل سوم به ویژه حقوق ملت که اکثر قریب به اتفاق آن حقوق در منشور حقوق شهروندی متبلور شده‌است و یکی از دلایلی هم که ما قائل نیستیم به اینکه در مجموع، این منشور را به عنوان لایحه، ارائه بدهیم این است که در انتهای این منشور، ارجاعات قانونی دارد و اکثر قریب به اتفاق این مواد، قانون است، قبلاً تصویب شده‌است یا در اصول قانون اساسی است یا قانون عادی برای آن داریم منتها به دلایلی یا فرصت نشده یا زمینه برای اجرا و تحقق آن فراهم نشده‌است و اراده‌ای را دولت یازدهم نشان داد برای اولین بار یک دولت خود را متعهد دانست برای این که این مجموعه حقوق پراکنده و حق‌هایی را که در قوانین متعدد پراکنده بود را به صورت یک مجموعه، ارائه بدهد و به ملت حقوق خود و مسئولیت‌هایش را یادآوری کند. البته کمتر رد پایی از مسئولیت ملت و شهروندان را می‌بینیم و به دولت‌مردان و حاکمان، مسئولیت‌های آنها را یادآوری کند. ارجاعات وجود دارد منهای یکی دو بند (حق) که

در زمان تصویب و تلویح قانون اساسی، در جامعه ما در ۴۰ سال پیش، حق دسترسی به فضاهای مجازی موضوعیت نداشته و در جامعه مطرح نبوده است که در قانون اساسی اشاره شده باشد که در منشور به آن پرداخته شده و حق و حقوقی که آن زمان موضوع و مسئله جامعه نبوده جبران شده است. به هر شکل رئیس‌جمهور این وظیفه را بر عهده دارد و لذا می‌تواند و باید از همه حقوق شهروندان، از جمله حقوق قضایی آنها محافظت کند، بنابراین این تعامل برای ما یک اجبار است و یک اختیار نیست با سایر قوا که با قوه مقننه در بحث قانون‌گذاری و نظارت و با قوه قضائیه در بحث اصلاح رویه‌های قضایی بتوانیم این مشارکت و همکاری را داشته باشیم که به معنای منافات داشتن با اصل تفکیک قوا و یا عدم مداخله قوا در امورات همدیگر محسوب نمی‌شود.

### راهبرد زنان برای ایفای نقش در تحقق حقوق شهروندی به معنای اعم کلمه و وظیفه

استفاده از ظرفیت‌های منشور حقوق شهروندی؛ ۷ ماده از منشور به حقوق زنان پرداخته، ۱۲ ماده غیرمستقیم پرداخته است و عمومات منشور هم شامل زن و مرد است. اشارات متعدد در تساوی، در رفع تبعیض، به ویژه در مقدمه صراحتاً اشاره به برخورداری از کرامت ذکر شده است. در این بخش آمده که دولت موظف است به حق حیات، کرامت انسانی، آزادی، عدالت اجتماعی و زندگی شایسته را برای همه شهروندان ایران، اعم از ایرانیان مقیم داخل و خارج، فارغ از جنسیت، سن، میزان بهره‌مندی از مواهب مادی، وضعیت اقتصادی، سلامت جسمی، ذهنی و روانی، گرایش سیاسی اجتماعی، سبک زیستن، باور مذهبی، نژاد، قومیت و زبان را رعایت و محقق کند.

بنابراین عمومات موارد منشور شامل زنان و مردان است. ۷ ماده‌ای که ذکر شده است شامل زنان است و سایر مواد نیز شامل زنان می‌شود. این توجه ویژه‌ای است که تدوین‌کنندگان منشور داشتند به اینکه باید در این مقولات برنامه‌ریزی‌های اساسی و جداگانه‌ای داشته باشیم به دلیل تبعیض‌های پنهان و آشکاری که وجود دارد و یا نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که تاریخی و فرهنگی و اجتماعی هستند. البته به صورت غیرمستقیم خیلی از موارد را می‌توان تعمیم داد و برای اینکه این وضعیت محقق شود یکی از راهبردها توانمندسازی زنان است. کلمه درست آن **توان‌افزایی** است. چون وقتی توانمندسازی را به کار می‌برند، فرض را بر این گذاشته‌اند که زنان ناتوان هستند و باید توانمند شوند. وقتی کلمه توان‌افزایی را به کار می‌بریم یعنی توان حداقلی را دارند و بنا به دلایلی بالفعل نشده و باید توان‌افزایی و مهارت‌افزایی صورت بگیرد. دیدگاه‌های مختلفی برای بحث وجود دارد، دیدگاهی که ۵ مرحله را برای توانمندسازی به ویژه برای زنان در نظر می‌گیرد که فرآیندی است شامل: رفاه،

دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل است. وقتی به مرحله کنترل می‌رسیم فرآیند شکل گرفته‌است. در حال حاضر در بحث توانمندی آموزشی و دانش‌آموختگی زنان در تمام جهان ادعان به این دارند که موفقیت‌ها و دستاوردهایی به دلیل همت و اراده خود زنان و دختران و هم به دلیل امکانات و تسهیلاتی که در ابتدای انقلاب فراهم و این شرایط مهیا شد، داشته‌ایم؛ الان زنان و دختران جایگاه خود را در دانشگاه‌ها و آموزش به دست آورده‌اند و بر این اساس مطمئن هستیم که در آینده‌ای نه چندان دور سهم خود را از بازار کار و سیاست خواهند گرفت و این واقعیتی است که باید مدنظر برنامه‌ریزان باشد.

اگر هنوز به مرحله کنترل نرسیده‌ایم نشان می‌دهد که این فرآیند را هنوز درست طی نکرده‌ایم و یک یا چند مرحله از این مراحل را نادیده گرفته و برنامه‌ریزی درستی نداشته‌ایم. در تجربه جهانی، خرد جمعی بشری این مراحل را طی کرده‌است. اگر از رفاه شروع کرده که بحث هرم مازلو است که از تغذیه و درآمد شروع شده، رفع تبعیض‌های مختلفی که وجود دارد را هدف قرار داده و در مرحله دسترسی، زنان به عنوان عوامل تولید، به کارهای مولد درآمدزا، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا و سایر موارد، دسترسی داشته‌باشند تا برسند به مرحله آگاهی که باید تشخیص بدهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی نیست و نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی، بحث برابری و نابرابری‌های جنسیتی است و نقش‌های جنسیتی به فرهنگ جامعه بر می‌گردد و قابل تغییر است. باید آگاهی را پیدا کرده و در مرحله مشارکت، زنان در تمامی برنامه‌های مربوط به خود و جامعه، شرکت کرده و مشارکت آنها باید با شمار آنها از نظر کمیت متناسب باشد زیرا که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و باید ارزیابی منصفانه کرد که آیا مشارکت زن‌ها متناسب با حداقل کمیت آنخت هست یا خیر؟

در مرحله کنترل نیز به توازن قدرت بین زنان و مردان می‌رسیم که قدرت کنترل را در همه امورات شخصی و جامعه به دست آورده که در نهایت این فرآیندها و مراحل، زنان را به توانمندی می‌رساند که از نظر شاخص‌های توسعه انسانی و شکاف جنسیتی یا Gender Gap که هر سال مجمع جهانی اقتصاد گزارش ارائه می‌دهد زنان ایران در توانمندی سیاسی و اقتصادی، چالش جدی دارند و در طول سال‌ها متوجه این موضوع شده‌ایم و برنامه‌ریزی‌ها نشان می‌دهد، سمت و سوی حرکت‌ها، درست است و اگر مانع تراشی‌ها و سنگ‌اندازی‌هایی که انجام می‌شود به حداقل برسد شاید بتوانیم در این زمینه گام‌های موفق‌تری را برداریم.

بنابراین اگر رویکرد جنسیتی را در برنامه‌ریزی‌ها به ویژه در برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری، افزایش فرصت‌های عمومی برای نقش‌آفرینی و مشارکت اجتماعی زنان را برای پیشبرد برنامه‌ها مدنظر قرار بدهیم بدون تردید، مشارکت زنان در تصمیم‌سازی‌ها و فرآیند برنامه‌ریزی‌ها و سهمیم شدن آنها در قدرت برای تصمیم‌گیری‌ها را

شاهد خواهیم بود و هم حاصل و نتیجه آن توجه به نیازها و مطالبات است با رویکرد عدالت جنسیتی که در برنامه ششم توسعه در سند برنامه به ویژه تعادل جنسیتی در همه جنبه‌ها از جمله در بازار کار و در سیاست و سایر امور در نقش‌های خانوادگی زنان و توازن بین کار و زندگی در برنامه‌ها پیش‌بینی شده و راه‌کارهای لازم ارائه شده‌است.

**نکته:** اگر در بررسی‌ها و پیگیری‌ها به این نتیجه رسیدیم که منشور خلا دارد و کامل نیست و نیاز به اصلاح و تکمیل دارد، راه باز است و وحی منزل نیست؛ ضمن این که در منشور آمده‌است برای روزآمد کردن منشور، رئیس‌جمهور می‌تواند برنامه بدهد و موارد متعددی جمع‌آوری شده‌است. بانک ایده در حال تشکیل است و پیشنهادات جالب و کاربردی را دریافت کرده‌ایم که اگر قابلیت اجرا شدن در سطح ملی را داشته‌باشد حتماً اجرا می‌کنیم و نیز اگر پیشنهادات برای اصلاح و تکمیل منشور است ما را در جریان بگذارید. بنابراین راه بسته نیست و حتماً باید برای تکمیل و احقاق حقوق شهروندی همه کمک کرده و از همه ظرفیت‌ها بهره‌مند شویم به ویژه ظرفیتی که در جامعه مدنی وجود دارد. استقبالی که در استان‌ها دیده می‌شود، انواع انجمن‌های حقوق شهروندی تحت عناوین مختلف در حال ثبت شدن است، دوره‌های آموزشی حقوق شهروندی، به ویژه دوره‌هایی که در سازمان امور اداری استخدامی به عنوان دوره‌های ضمن خدمت برگزار می‌شود و ۱۴ ساعت است که شامل ۸ ساعت در مورد منشور و ۶ ساعت تصویب‌نامه حقوق شهروندی برای کارکنان و مدیران برگزار می‌شود که دوره‌های موفق بوده و با استقبال مواجه شده‌است. البته این مهم است که دوره‌ها صرفاً برای گرفتن گواهی پایان دوره ضمن خدمت شرکت نکرده و این آموزه‌ها تبدیل به رفتار و برخورد با ارباب رجوع و سایر شهروندان خود را نشان بدهد و مسئولیت و تکلیفی که برای احقاق حق حقوق شهروندی داریم و در عمل شاهد تغییر باشیم در مناسبات، روابط و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه، کشور و خود و اطرافیانمان.